

امام خمینی:

اینجانب بناندارم از کسی تأیید نمایم  
چنانچه بناندارم کسی را دست نمی‌واز  
تمام احزاب و گروه‌ها و افراد می‌خواه  
هم که از نسبت دادن کاندیدای خود  
به من که از آن استفاده تایید و یا تعلیم و  
یار دشود، ندهند.



سال اول - شماره ۱۹ - سه شنبه ۲۵ دیماه ۱۳۵۸ - تکنساره ۴۰ رسال.

## همسر آیت‌الله طالقانی

### به مسعود رجوی رأی می‌دهد

اینجانب صرف نظر از نوع وابستگی علیه شد و فرقه‌ای به گروه و  
جعیت خاص، بخاطر سوابق میزبانی و تبله ظرفی و برخی هدایت مسعود  
رجوی، ایشان را بروای آخراز مقام ریاست جمهوری اسلامی شایسته  
نمی‌دانم. در ضمن شناسنامه اخیراً بدین از کاندیداهای انتخابات نادرستی  
به پدر طلاقانی متوجه گردیده که مورد تذکری اینجا نیست. و  
همانطور که امام خمینی مفدوت‌ماند امیدوارم کاندیداهای محترم بچای  
نکه و انتساب خود به اصحاب و میراث، با طرح برداشته و سوابق اقامتی  
خود اقدام بنتیجه نمایند.

هر سر آیت الله طلاقانی

## گردهم آئی شکوهمند انتخاباتی مجاهدین خلق در



مابخاطر مبارزه باسازشکاری، مبارزه با  
منفرد کردن و متروک کردن نیروهای  
راستین انقلابی، بخاطر بقاء و رشد هر چه  
بیشتر این نیروها، بخاطر مبارزه با امپریالیسم  
و سیاست حقوق بشر و نیروهای واپس.

گرادر این انتخابات شرکت می‌کنیم

روز پنجمین گردهم آئی مجاهدین خلق ایران در رابطه با انتخابات  
ریاست جمهوری با حضور دهها هزار تن از میهن داشتند تهران بر-  
گزار گردید. این گردهم آئی که از ساعت ۲ بعد ازظهر شروع شده بود، ابتدا  
اعلام برنامه شد و سپس جند آیه از قرآن جیبد لذات گردید و بعد از آن  
برادر مجاهد موسی خیابانی و سپس برادر مجاهد مسعود رجوی سخنواری  
گردند. در موقع روز و برادر مجاهد مسعود رجوی اعلام شدند که  
شارهای (رجوی، روحی، رئیس جمهوری) - ما همه حامی توایم مجاهد  
حیات خود را کاندیداً نمایند. برادران مجاهد موسی خیابانی و مسعود رجوی را که  
ستینما از روی نوار پیاده شدند، دیلای اوریم:

پیغام در صفحه ۷

## کردستان یکپارچه در انتخابات ریاست جمهوری شرکت گردد و به کاندیدای سازمان مجاهدین خلق

ایران "مسعود رجوی" رأی خواهد داد.  
کاندیداتوری برادر مجاهد مسعود رجوی و پشتیبانی گروهها  
و دستگات گوناگون از آن

دشنده اعلام کاندیداتوری برادر  
مسعود رجوی از طرف سازمان مطهدهن  
خلق برای اولین دوره ریاست جمهوری  
گروهها، انجمنها و شعبه‌های ساسی  
اجتماعی، پشتیبانی خود را اعلام  
استمرار انقلاب در خط اصلی خود

## پیش‌بینی توطئه‌ها

کردستان پس از ماهها قهر و جدال برنامه  
و کاندیدائی را یافته است که در حل و  
فصل صلح آمیز مسأله به او امید می‌بخشد.

سرخوردگی جنگ افروزان از یام تاریخی  
۲۶ آبان‌ماه امام خمینی آغاز شد.

از پیش روش بود که شرکت نیروهای راستین انقلابی در انتخابات  
ریاست جمهوری و مرغی کاندیدا از سوی سازمان مجاهدین خلق ایران  
معادلات داخلی و بین‌المللی انتخابات را در هم غواصه داشت و از هجرت  
کیفیت این اتفاق را آن خواهد داشت.

در شماره پیش‌بینی دادیم که مرغی یک کاندیدای موافق انقلابی  
آن‌هم با چنین برنامه ضداستبدادی و ضد استعماری و ضد استعماری ایجاد  
و اکتشافی غیر از مراقبه‌های ملی اند دارد. چرا که در مرغوت اعزام گرفته  
موافق نسیم هم نیروهای انقلابی و سازمان و هم اربابان امپریالیست  
را اکیدا از آن‌دیده بپرسند انتقام و نیروهای انقلابی همین م بوشست می‌  
اندازد.

اگنون پس از حیاتی‌های گسترده نیروهای مختلف از برنامه انقلابی و

شخص کاندیدای ما و بیویه حمایت محدود و پیاره‌چه کردستان بی‌بینم اوضاع

ار چه قرار است؟

کردستان پس از ماهها تحریر و جدال برنامه و کاندیدای را پایه است

که در حل و قتل ملایم‌ترساله به او آمده بخشد. بالکن

چنگ افزاران، امیری‌الیستها و نیروهای ایجاد

محروم گرد و از جمهوری اسلامی خوش می‌داشند و در میر آن از هیچ

خواهود گردند و می‌کنند دچار یاری و سروکردی می‌شون. البته

سرخوردگی آنها از یام تاریخی مورخ ۲۶ آبان امام خمینی آغاز شد. مشتی

محکم و قاطع بر دهان معم ایهایی که صلح و حل و قتل انقلابی مقاله

زیانشان بود.

پیغام در صفحه ۵

### مقالات نمایندگان

#### جنیش‌های آزادی‌بخش با رهبران سازمان مجاهدین خلق ایران

طوفین بر این عقیده بودند که مبارزات عادلانه ضد امیری‌الیستی  
خلق ماتحت رهبری امام باید عميق و گسترش باید.



۵ دیدار برادر مجاهد مسعود رجوی با نماینده ارتز

پیغام در صفحه ۵

### در صفحات دیگر:

#### ● دانشگاه و انقلاب

#### ● شهرهادر چنگال امیری‌الیزم

#### ● سخنی با پاسداران

#### ● شاهرفت، امیری‌الیزم چطور؟

#### ● از ماست که بر ماست

#### ● مصادیه برادر مجاهد مسعود رجوی

#### ● در باره ارتش

#### ● یادشیدان (محمد‌الفت و محمد‌فقیدی)

#### ● راگرامی بداریم

#### ● زحمتکشان آشوراده "در دل دریای خزر

#### ● دردهای یک درجه‌دار نیروی هوایی

#### ● از بند تسلیسل

#### ● ردیابی مجدد سیاست امیری‌الیزم

صفحه ۲

صفحه ۳

صفحه ۱۱

صفحه ۱۲

صفحه ۱۳

صفحه ۱۴

صفحه ۱۵

صفحه ۱۶

صفحه ۱۷

صفحه ۱۸

صفحه ۱۹

صفحه ۲۰

صفحه ۲۱









## بیانیہ کانون زندانیان سیاسی

## وامادرموردمسئلةخاص

پرورد. ۵- چون سیاه پاسداران وابسته به هیچ حزب و گروه خاصی نیستند لذا از گاندھیدی تبلیغ نمی کنند. و گلیه زوایران و براذران موظفند در این امر هم سیاه پاسداران را بازی نمایند امید است اندیختهای ریاست جمهوری و جلس شورایی بازاری هرچه تعلیر و با پایی شما برگزار شود.

لَا كَرَأَهُ لِي الَّذِينَ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ النَّى  
ملت مسلمان ماتحت رهبری امام امت  
گام تازه‌ای در سرفصل مبارزات ضد  
آمریکائی و ضدسرمایه داری را در  
جهان آغاز نموده است سپاه پاسداران  
انقلاب اسلامی کرج حمله عده‌ای عناصر  
ناآگاه در این مرحله حساس از مبارزات  
ملت مسلمان ایران به دفتر گروههای  
سیاسی را محکوم می‌نماید و از  
دانستانی انقلابی خواهد که مسببین  
این واقعه را محاکمه و مجازات نماید.

این زمینهایا نه باری میستم حاکم  
شناختم و نام امکانات مادی و منابعی  
ناظمی خود را در این راه پسیج کردیم  
نمایمده بود که این دیده در  
خطوط خد امیرالبیستی امام خود را  
سرمهای از این راه ناظمی جان بر کوی میدانیم که  
ما اخیرین خود را در این راه به پیکار  
ادامه خواهند داد.

درست نهمنم دلیل بود که در  
توشتنها و پوشگیریهای نشان  
داده ام بدلیل پشتونهای تومادی  
میستم حاکم و درجات رئیسیهای ای  
که همین درجات میتوانند شریعت  
تاریخی است هرگز علمبرهم فقط  
مواعظ اموالی استفاده این سر جنگ و  
ستیز با این سیستم را تداریم و در هر  
پایانی افزویزی را مکرم کردیم.  
ضمن رای ای خود شنید که همین مشی بود که  
جمهوری اسلامی انتظارات دد اقلیم  
خود را از جمهوری اسلامی مریحا  
بیان داشتم و همچنین میریخ  
انتقادهای که شوه گزینش مجلس  
خبرگران داشتم در انتخابات آن  
مرکز کردیم.

ولی در مورد رفراندوم قانون  
اساسی، خمودها وقتی بنام اسلام -  
که طبعاً برای ما ساله را سیاست دینو  
لوژیک و حساس میکرد - اصول اراده

میعنی نوع است، یعنی شرایطی که  
من نمی‌شدن سلطنه سیاسی امیری  
زم نظام حاکم نیز از دیدگاه اصول  
تئیینی یک سازمان اتفاقی نمیتواند  
باشد، درین شرایط ای این سازمان قرار  
گیرد. از این اوضاع در این شرایط این  
سازمان اتفاقی با میستم حاکم از  
جهیزیگی های خاص پرخوددار است.  
سازمان ما بهینه دلیل از  
موروزی این اتفاق دد دیگارتی به  
جمهوری اسلامی میبهینیم چندی  
جهه داشت و با اینکه اصول کنکی  
مودود و تجارب سیاسی - تنکلاشی ۱۴  
امم اسلامی این داده است که در این  
میانه همراهی و توجه به مراقبت  
میکنیم موضع اموالی - انتقادهای خود را  
که همین ابتداء صحن  
معمل نکند. ما از همان ابتداء صحن  
میکنیم موضع اموالی - انتقادهای خود را  
که همین ابتداء صحن  
ترجیح کردیم درین تأثیب کرایانه آنها  
قدامات ترقیه اماغه، بنام قوا در

از ماست که بر ماست  
خدا اکنده همه پاسداران و گمیته های  
کشور از پاسداران انقلابی زرند و کرج  
بیاموزند.

وقتی که بوستر همه جز یک حرب مولتیپلش کنده می شد و فریادها جاواری نیز رسید، در این راهه اعلام ایجاد نشد و حتی این بود: «بردم» نسبت داده شد و تلوی پشتیبانی کردگی خواست. منظور از طرح ماله فوق فقره بیان این موضوع است که قانونهای اجتماعی سنتول از خواست مانع مال می کند. از ارادی و دمکراتیک هم هیچین است. در شرایط جامعه ما هیچ حربی نتوانید آزادی را فقط انصارگاری برای خود طلب کند و در رابطه دیگر نیروهای مردمی و اقلای اجتماعی و سیاسی آنها را خود باهمال دند و با در اتفاق آن روابط پنهان علاق اخاطر می آید و بایستی گفت: «جنون یک نظر کرد، بر خوبی در آنها گذشت». کسری این اتفاق این است که این اتفاق را می بینند و می خواهند خواست.

این روزها ساله کدن بوسترها اعلامیه و تراکیهای کرهها و نامزد ایجاد مختلط آنقدر را بین اینست که کوئی را ماقوم می ازاید دمکراتیک است. اینجیزی باس تبلیغات آزاد انتخاباتی جوگذارده است. این ساله ایجاد این مقاله ایلیعی جلوه می کند که در عین مقالات جوانی مسلول هیچ نقشی را احاذی در جلویی برگزیند سیاستمندان بسیار مهدهده می کنند و گزینش کمیته های خود صورت سازمان یافته اند در این رابطه ایام «بردم» این وظیفه را بعده می بینند اتفاقاً از این طبقه ایجاد ایضاً می ساله نیست. چرا جو در چند امده اخیر و بخصوص در دوران انتخابات خیرگان این ساله مبتلا به نیروی ایلانگلیک بوده اند و هیچگن می تبلیغات غیرقانونی بعضی خواست در انتخابات خیرگان و آنها

دیگر دنار که نایاب نموده اند  
که خود را به آنها منسوب نمی کنند  
بگران بیان داشته باشد.  
۱- معرفت کنند و درخواست  
با اعلامه حکم جمهوری  
اسلامی که دیالی تقلیل گردیده  
نمایند: (اطلاعات شنبه ۴ دیماه ۱۳۶۷)  
سمه تمامی  
هزینه های  
لزومی خواهد  
بود.

سالم ساختن منابع و مهاراتی که بتواند مفهوم روزمره و مفهوم اسلامی باشد،  
سیاسی و اجتماعی ایفا کند. البته روش است که نیل چندین درجاتی از رشد و تکامل  
شناختی انسانی را تضمیم کند. در عین حال این روش پرستاری های مریبوط به برادر  
درویش و کارگذاشت افراد و جوانها را می خواهد. دنیا طلاق و فرست طلاق طلاق غیرمیرکم  
نمیگشاند و یا آنها را برای هم تماشند.

است. مهانها که در هر کجا تلاش کرد  
و می‌کنند راه را باید دنبالهای  
ویستی تام خلق را به این احصار و  
گیرگشتن با دوروهای انقلابی راسانی  
کنند. تبدیل تاریخ ام که  
خدای ناکره داده بک شست چاقان  
و چوب بدست از خودی ساند مجاهدین پرس  
معلوم در حوالی ساند مجاهدین پرس  
می‌زندند در تقابل یکی از شبیعت حرز  
جمهوری اسلامی طاهریان را  
حرب مجهوری آنها را حکوم حکوم  
شود. حال آنکه یک حرب انقلابی  
و استیضاح موظف بود که اس از رسیده  
بese قدرت در مقابل را با ایصاله  
مجاهدین و نیز اراده ایران شهدایی  
حکوم است این حرب را سپرورد هماند  
کلمه من دده خله به ساند مجاهدین  
و تخلیه اجرای آنرا حکوم نمود  
نه بخاطر مجاهدین، بلکه بخاطر  
سلامت فیضی سانس ای که خود  
مه اکنون نیاز به آنرا احساس نمی‌کند  
ولی خیلی شود کرد که ما در سیاست  
موارد سرتون بعضی حملات علیه خود  
ما را در ایجادگرانی تحت نفوذ  
افتاده بودیم. اینکه که این  
برهه کردن پوست و اوارق تبلیغاتی هر  
هزب و خوش معلمی سیار رشت است  
حکوم نموده و می‌نماید. و از همه  
زمدهای ریاست جمهوری با لباس  
پسرادر یعنی صدر نیز اختصار یورود که  
از برخان اخراج خود غافلگاهند این  
طیبی است که مان نیز پر اساس  
وشها و اخلاقیات اسلامی دیرینه  
خومنام از آنچه بر حرب جمهوری  
اسلامی گذشته متأسفم و اینکه  
عمال و روشهای آزادگانه همچویں  
تجددت هم در مورد حرب جمهوری  
اسلامی و چه در مورد سایر نبردها و  
حرابات یا بر مقیده و مرامی هم که  
کلمه من دده خله به ساند مجاهدین  
و تخلیه اجرای آنرا حکوم نمود  
نه بخاطر مجاهدین، بلکه بخاطر  
سلامت فیضی سانس ای که خود  
مه اکنون نیاز به آنرا احساس نمی‌کند  
ولی خیلی شود کرد که ما در سیاست  
موارد سرتون بعضی حملات علیه خود  
ما را در ایجادگرانی تحت نفوذ  
افتاده بودیم. اینکه که این  
برهه کردن پوست و اوارق تبلیغاتی هر

آیا بدون شرکت در فرمانده قانون اساسی معرفی کاندیدای ریاست جمهوری کاری اصولی است؟

اما با هممان قاطعیت مبارزه سخت دوران دیکاتوری تاریخی شرکت خواهیم کرد. اصلی کاملاً حد غلظی است و یکباره ضمن نهی شدن سلطه سیاسی امپراطوری در ازدیاد دشمن املى و طاغوت بزرگ زمان فرار دارد.

مشکلی یک سازمان انقلابی نمیتواند باشندگان خود را بزرگی مانند زخمی خودگیر برخوبی که در واقع زادگان از امپراطوری این میز به سرگردانی امریکا بود.

واضح است که در جنین شرایطی یک سازمان انقلابی از قدر و نفع مطلق به براندازی آن نیست بلکه در اینجا میتواند راه را بزندگانی خود بزرگی میگیرد.

بروزی انقلاب خد دیکاتوری به مردم امام خسینی پنهانی پیشگویی میکند. توجه داشت و با اینکه با اموال خود خود و تجارت سیاسی - شکنکنی<sup>۱۴</sup> - میگذرد، داده داشت که باید در این ساعت داده است که باید با همراهی و تعاون خود را بخواهد و با خود به همچویانه میزند.

فرمودند اینها از مکنیک میکنم آن هم با فرنگیکاری دهن اهلی علیق میقدرتند. فرنگیکاری طبعی است که در این مورد اینکه سازمان انقلابی باید یکباره فقط کردیم درین حال در آن ذوب شود.

ولی در حقیقی موارد ماله به فرضتی ضمن تأیید مطلع و سیاسی کلی قدرت خواهیم داشت. ترجیحاً همانه، با تمام قوای این سروستانی نیست و شرایط فعلی ما برای پاسخ به این سوال که باید میتوانند با شرکت جهادین خلق در طرح نود مقدمتی باید تذکری موجه خود را بگردید.

یک سازمان انقلابی که برایه بازداری میکند، معمولاً وقتی با اینکه سازمانی از قدر بزرگی میگیرد، مبارزات اجتماعی به براندازی آن نیست بلکه اینجا میتواند راه را بزندگانی خود بزرگی میگیرد.

دو: بحث حاکمی که میساز این انقلاب مجاهدینه و ضمن نهی سلطه سیاسی - انتقامی - میگذرد. فرنگیکاری دهن اهلی علیق میقدرتند. فرنگیکاری طبعی است که در این مورد اینکه سازمان انقلابی باید یکباره فقط کردیم درین حال در آن ذوب شود.

این این دو سیاست نیست راه را بخواهد. این این دو سیاست نیست و شرایط فعلی ما





ازادی جوهر و مفهوم حرکت تاریخ است.

از تمام اینها این نتیجه بودست می‌آید که آزادی جوهر و مفهوم حرکت تاریخ است — البته آن آزادی و حریتی که کمال و پیکانگی می‌آورد و زنجیرهای جعل و سندگ را برای کنند اینست که مضمون هر انقلاب راستین بیان حریت و اسلامکاری های حیواناتی و ددمنشانه به خدا نیز نتوان رسید. پس ایارتنهای در یک نیز این قید و بندنهای اسلام را و بندنهای در تمام سوراخ، بین درن حریت این را می‌دانند.

مده عوامل ضدکاتلیکی، مده اشکال استبداد، استعمار و بهره‌گیری کشی صورتهای مختلفی از این بندگیهای شرک-آمیز هستند که حریت بشری را در تعامیختش خشده دار می‌کنند.

قله‌هایی کی می‌پس از دیگری که همانجا در فلسفه مال-فلسفه توحید - رحتم به خدا می‌کنند، متن کمال و آزادی مطلق در پیش و خواهد بود.

با عقدت من مال انسان هم؛ در آن روزی انسان شد که از قید حیوانات آزاد شد. مین جا بود که در یک مکالمه سوسیولوگ ملاکنه به خدا ایراد گرفتند. آنها کنکاشن و خوبیزینیها را می‌دیدند و در نهایت افتادند که چه فلسفه ای در اینجا

افتخار میکند که در بین گیری خطوط انقلابی اش در این مرحله، شایسته‌ترین فرد خود را به عنوان نماد زیراست جمهوری، به قله قهرمانی خود می‌داند. این میدان همچنانکه میدانی است که سازمان انقلابی ایزولو و جدای از توده‌های مردم نیست و نمقواد است. باشد که سازمان انقلابی نمیتواند از پایگاه اجتماعی خود جدا باشد. و نمیتواند از تودهای مردم و پایگاه اجتماعی خود جدا باشد. این میدان باید در ارتباطات تنگیکار با تودهای مردم و پایگاه اجتماعی خود باشد. اما این میدان گذشتنه را برای سازمان انقلابی می‌انجینه بود، حالاهم مهیط‌پر است. و بعد از اینهم مهیط‌پر خواهد بود.

در گذشته همین شماها بودید که مبارزه مکرر و مردمکار نقشی را در انقلاب رهایی خود را خلقتان ایقا نمی‌نمودند. اگر یکی شکاره بود که مرد داشت، اگر یکی داشت،

در میدان جنگ شهدید می‌شدند. اگر یکی نزدیک از آنها بیلچیک می‌گردید، یکی در پایانش کشیدند. یکی به آنها خانه میداد، یکی برای آنها تبلیغ می‌گردید، یکی دیگر برایشان کشیدند. یکی می‌نمی‌نمودند، یکی می‌گذرد. اعلامیهای آنها را تکثیر می‌گردید. با این همه‌گشته و این اسلامیات مقبال است که یک سازمان انقلابی پیش می‌روید. باز هم شماها که در گذشته رسماها بودید که بر علیه زرمادید، شماها بودید که پارسال، پیرارسال و خبایرانها بر خود را در این نمادهای می‌آوردید. باز هم شماها مستید که باید خبایرانها را در این نمادهای این آژون جدید که ما پیش رو داریم باشند.

بنابراین من از همه شما میخواهم اگر به این خطی که به اختصار تشریح کردم معتقد دارید، هرچه فعالتر و با تمام قدرت و توان در این میدان وارد شوید. در میدان مبارزه برای انتخابات ریاست جمهوری.

جمهوری اسلامی نسل درخون تطهیر شده‌ما، مبنی صدیت عمیق و تاریخی با خود کامگی، استبداد، حفغان و انحراف وارتحاع است.

اگر از آزادی بطور اخسی ، متناسبات آزاد و عادلانه را در روابط درویشی خودمن در نظر داریم ، استقلال هم همین معنا را در روابط بین اسلامی و روابط خارجی مان یعنی کنند . و برای سام جمهوری اسلامی آن اوج و آن مکانت است که در پیروزی نهضت تمام اینهاست و همچنین این را بنام اسلام به رسیدت نمی شناسیم و هر چیز غیر از این همین خواهد بود که انتہاء و ارتتعاج و با آن جمهوری اسلامی کوشش در خون طفیل شده باشد که آن انتہاء دارد و به آن رای داده ، مینیم خدیث عمیق و تاریخی با خودکارگی است ابتداء با خفغان ، با انحراف و با ارتتعاج

بین شیوه‌های انتخابی و شیوه‌های انتخابی مقاوم است.  
بنابراین شما با انتخاب و شیوه‌های انتخابی در میدان  
انتخابات ریاست جمهوری وارد شوید.

## ۱- اداره امور کارخانه توسط شوراهاي واقعی.

۲- لغو کلیه مطالبات مالی رژیم پیشین و ایادی آن از کارگران معروف.

۳- لغو همه قوانین و مقررات ضد کارگری و تدوین قانون جدید کار با نظر خود کارگران.

۴- لغو تمام کسور دولتی از قبیل مالیات و بیمه و امثالهم از دستمزد کارگران و تأمین هزینه های ضروری نظری بیمه بازنیستگی توسط خود دولت از محل درآمد نفت.

۵- افزایش تصاعدی حق السهم کارگران از سود کارخانجات به نسبت افزایش سود کل:

۶- سپردن اداره بانک رفاه کارگران و سایر صندوقها و بانکهای کارگری به خود ایشان.

- ۷- تهیه شیرخوارگاه و کودکستان برای کودکان کارگران.
- ۸- تأمین کار و مسکن برای تمام کارگران.

نهفته است. اما خدا به آنها پاسخ داد که "اگر اعلم ما لا عالمون" من چیزی را می‌دانم که شما نمی‌دانید. آن چیز چیست؟ سمت و موضع تمام این تحولات و کشکالها، همچنان فلسفه انسان‌سان، فلسفه آزادی، فلسفه انقلاب. بله، ما امروز این روزگار تذکر این فلسفه را در کوتوت اختیار یک برپانه باهم گرد آدمدایم. اختیاری نه تخلیلی و رویایی، بل در متن واقعیت ساخت، واقعیت ساخت سیاسی و اجتماعی، زیرا ما سلطنت مان از در عمل بی‌گیری و مستجو می‌کنیم و بهمنین دليل ابدالوگویی را با سیاست پیومند زدیم.

بله، می‌دانیم اینست که اما به یه موضع گیری خدا دستانه و مردمگایانه امام خمینی تو از استیم امروز مستقیماً در مرعش قضاوت و داوری خلخلان قرار گیریم. خوشبختانه این اختیار و تعیین سرنوشت بخود درم و داکار شده و دیگر کسی خواهد اعاده تو اینست و باید بنام اعظم مقطبان راهی خود را و گرفته خود را را به دیگران تحمیل نکند و با رنگ‌آمیزیهای مختلف انجام طلبانه هرچیز غیر از آن را ضاداقلایی و نفاق‌آمیز جلوه بدند.

بنابراین ما این موهبت را از امام شکرگزار هستیم و کاش شاستگی پاسخ کوش آنرا در عمل داشته باشیم. عمل انقلابی، مردمی وند امپریالیستی عملی بمعنی حفاظت از دستاوردهای خوبیان انقلابیان.

آخر مکار ما چه کردیم که ضدانقلاب قلداد شدم و بیم و درمیم؟ در حالی که هنوز با خوش بدهیانم، فاضله چندانی نداریم، در حالیکه هنوز از دور دست می‌زندیم! چنین گهیهای که بر دست و پایمان سوید در فاضلیان اینکن نشد!

در حالیکه هنوز آثار جراحات و شکنجهای خواهان و برادرانش نرم نشد...

بهر حال هر اختلاف نظر و هر اختلاف رایی هم که داشته باشیم یک در میان همه رسوانل، در میان تمام اینها و صلحاء تاریخ، در همان تمام آنالوگیون و آزادگان مشترک است و آنهم جدال مستمر، چون گیر و بازگیر است علیه تمام موانع حریت در تمام سورا خوش بود و در تمام امکانات کویاگوشنان، آزادی از قید بردگار، ارباب، بزمخوار، نولخوار و یهانخوار مقصده شورانگیز و متعالی که بدون این تاریخ در دوری می پایان از کشاکشها بندل چیزی نخواهد بود. کشاکشیان سپس طبح و خواران، دست نهایا این مقدمه هست که همه توانی خواهند داشت دیگر جا را بخواهند و رای خواهند داشت اینجاست که در تعدادیش و در بنی هاطر تمام فرزندان راستین انسان، تصوری برای شیوه ای ایسپریدک، مهمنون ایشکی در زیر یاد کشاکشها را بخواهند، جرقه‌های که سرخانم از آن همیزی برخواهد می‌باشد و ستم و ستمکری را از بنیاد خواهد سرواند. تصوری از همه زنان و مردان ایزاده عالم که بیکاری و متعال در کار ساختن بنای عظیم هستند، بنای شکفت ایشکی به که جانب آسماها و هر جانب نور و روشنایی بر میکند. در ناریکی ستم و غول‌گامکی بودند و آجنه را که اینها، اصلخین و اغلاطیان را معرف و شاید بخواهند، اینها استدادات زف درونی انسان را درین گرده بود، ما این جبارا بینم که در حال پیشرفت است. اما پیشتر، سرخانم با ایزادی از این زنجیرها، از این قید و بندهای چاهلهان، سرخانم چون بوزدن اینان غلبه اختنای که سی از سالان دراز نتفه پرندگان، یا لکبرگ گلی را با تازیک تجریه میکند، اوج هفتم زندگی، هستی و حیات را در خواهد یافت و به تاریخ واقعی خودش می‌بینم که خواهد شد.

سخنرانی برادر مجاهد مسعود رجوی  
کاندیدای مجاهدین خلق ایران

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران  
بار خدایماً این گفایت و شایستگی و در نما قرار داده که بتوانیم به مسئولیت  
هایانی عمل نکنیم.  
برای یکانقلابی، برخودارشدن از اعتقاد و بازهم اعتقاد مردش چیزی  
جز افزایش مستولیت بر سولیتیهای نسبت و خدا گند که من غنی اینها را  
پنهان.  
خواهراون، بوارداران، هم میهنان! امروز به اینجا نیامدهم که برای انتخاب  
یک فرد یا یک سازمان تبلیغات گذمیم و رای بدست بیاوریم؛ نه... ساله در  
اساس اعلاً این نیست. ساله ما بوردن و برندۀ شدن در انتخابات نیست. بلکه  
تجمع اموز اساساً بازآفرین و نذکار فلسفه انقلاب، یعنی آزادی است.  
کیست که ندادن رفته از ارادت راستین را در حق کجای جهان و بورده انقلابی  
تحت را رسالت اسلام برداخته میشود در یک کلام بازم آزاد است.  
که تمام رسولان و مصلحین، تمام انقلابیون بزرگ و شده و همه اسرا آن  
شروع گردند و با آن بیانان و ساندهن. مگر بیامران بروی آزاد مند همچه بروی  
کستن این رفیق و بندهای اسراییل، هارهایش که مغوف تحد و بگانه بشری و  
بازگردان قیاد و بندهای اسراییل، هارهایش که مغوف تحد و بگانه بشری و  
هم جدا گردند.  
اندیه، ایندیه! داشت از ابراهیم خلبان تا موسی و سمعیون و محمد (ص) و همه  
انقلابیان. بگذارید یکی از اندیه‌ها بني اسرائیل را شاهد بیاوریم، همان  
یاهویی که گفت "مگر زورای که من می‌بینم این نیست که بندیهای شیروت و  
ردیلات کشاند و بارهای گزان را سیک گنید و ستمدیدگان را آزاد سازید؟"  
یوغها را بشنکید، کدام بیوای؟  
کجا زدیر! راه را شهادت بطلبیم، آنچه که گفت "حقیقت شما آزاد  
خواهد گرد" پس آن چنگی حقیقت است که آزاد بگند. و این هم بیامران اسلام  
رسول ام، همان گمار تکب بارانه و خط ناشوئی که ساله آموز در درس شد  
"پارمهان" با معرفوت و پیشی از سالن المتر و لحل لمحل الطیبات و چرم علیبه  
الخاکش و پیغام عزیز معمد و الاعلان ایشان گشت اعلان علیهم.  
تا آنها را امر بگند به خیر، به معروف، بعیانی، به پاکی، و بازشنان  
بدارد از نژن، بدمی و روبدارد بر آنها باگیریها را حر و حاشان بکند بلیدیه  
را و باز بگند از آنها بندهها را و قیدها و سنتکین باریها و زنجیرهایش را که  
آنهاست.

گردد هم آیی شکوهمند انتخاباتی مجاهدین خلق در دانشگاه

گنہیش آنکه، ندارد گنہی.

تاریخ بودند.

در اواخر سازمان مایا انتشار بینایی‌ای در اوخر استفاده گذشته راجع به این اشارهات حافظل و مرحلای خودش از جمهوری اسلامی، نکات زیر و خاطر نشان کرده که ما به این موارد و ندادار هستیم:

- لغویی مقربات ضدکارگی و تدوین قانون جدید کار با نظر خود کارگران.
- تامین کار و مسکن برای تمام کارگران.
- سپردن اداره تمام بانکها و صندوقهای کارگری به خود کارگران.
- لغو تمام دینون و کسر دولتی از قبیل مالیات، بیمه و انتظام از مستعدتر کارگران و همینهای ضروری بینه، بازنگشکی، تنوط خود دولت از محل درآمد نفت.
- از نظر ما اینجا امور کارخانه توسط شوایر کارگران مربک از تمام کارگران می‌باشند اینجا بکردند.
- از نظر ما لغو کلیه طبلات مالی رویم پیشین و ایادیش از کارگرها و دهقانان محروم یک سیاست ضروری است.
- تهیه شیرخوارگاه‌ای که کودکان برای کودکان کارگر.
- رسمن کوئن کارگران بینهای.
- افزایش تعدادی حق السیم کارگران از سود.

و واسته، بعازره مسلحاه شهري اشتغال داشته و در شرایطی نظير حال خوش را  
کاندیده براست سلاحه همچویي مي گند. به سهله فراتر از داخل گبور اعاده امنیتی  
هم دارد. تجهيزه جديده از مدرعي که شاهد مي باشد از خصوصيات اتفاق مي باشد.  
به عنوان ترتيب تسلی خوبين که باز اسماها خفغان و نگاهدار را در بوسن دارد حالا به  
ميدان آمد هاست و مي خواهد تا جايگاه شايسته خوش را احراز بگذرد.  
آجا برايم است که اتفاق بروي را اتفاق بروي بايد راه را بگذرد.  
شاید برپا نهاده از که بر تفصيل طبلون باشد ومن نقطه رساند هر سطر از آنها اشاره مي  
کنم و چند تا از آنها را مختصرانه توسيع برويم. همه و چهار سعادت برای فرضهای  
بعدی.

بله، اگر یا تنان باشد در همینجا بود و در همین زمین، در اوایل اسفلد ماده‌گان خستنی بازار گردید و شذواردارید که سمعت و دولات قبیل آنها را نهادند اتفاقی و نه توئینی صدمه‌پریستی در آن می‌بینم. در همینجا بود که نسبت به فرمیس و سازشکاری هشدار دادم.

آن موقع هم مثل حالا منتظر می‌از اتفاقی بودن گذشتی، هرج و مرچ و بی طعمی بیند و آن هم نیست، نظیرهای آن بود که بین اتفاقی بودن داشتن نظرهای اتفاقی و بین داشتن باران و پارون اتفاقی حمل سائل بیند و محل است. چطور که می‌توان اینکه اتفاقی و مردمی باشند و یا توئینی اینطور نظر بکینم، مسائل یک اتفاقی را حل بکنیم؟ چطور که شود توئینی تهدیدات امیدوار بالایستی را خنثی بکنم؟ اینکه می‌دانم را تأیین بکنم، اینکه از اینها را سترنگ بکنم؛ ستلنه بیکاری و گوشت و زان و سکن و کار و ترفیک و اتفاقیم را حل بکنیم؟ سائلی که در کی ووند دش اتفاقی ایجاد شده‌اند و بنا بر این قدرتی دیگر بین اتفاقی قابل حل هستند.

درباره دهقانان

- ۱- زمین برای دهقان، کار برای کارگر.
- ۲- لغو همه بدھیهای دهقانان و کلیه تحمیلات رژیم پیشین.
- ۳- تضمین کمکهای فنی و مالی به دهقانان.

در بیانیه مروخ ۲۷ اسفند در خود دهقانان، ما این موارد را حواسیم:

- الف: دهقانان محروم ایرانی به همچو معجع دولتی بدھکاری تدارنند.
- ب: عین سمشانی که شرط نهادهای منغور ریزم پیش از دهقانان محروم بودند و شدید باستی به آنها بازگرداند. و اگر بمحاجه فنی با اشکال بود، معاذل شدایز املاک پهلوی به آنها داده شدند.
- ج: تامین حداقل نکلوزوی و وامهای بدون بدهه کشاورزی برای دهقانان نیازمند.
- د: دهقانان محروم ایرانی همچو وجهمی بایت مالیات نیابستی بدولت پیردازند.
- ه: تمام تحملات ریزم شاه به دهقانان که بایت انهدام کشاورزی در ایران بدهد بایستی جریان بشوند.
- و: شربق و فراهم ندن شرائط لازم جهت تشکیل تعاونیهای حلقوی و تقویت روحیه جمیع و شورایی در کشاورزی.
- ذ: طبق هموگون دخالت و ارادات خارجی در امر کشاورزی و دامداری ملی، مگر به روای تأسیس سکریهای داخلی.
- ح: تامین مسکن رای روستانیان از طریق ایجاد شهرکهای مناسب با خدمات ضروری.

منظور ما از زحمتکشان بطور اعم، طیف وسیعی است از انتشار کم درآمد، بوریه کارگران، دهقانان و بیکوران محروم که زندگی این انتشار مفاطعه بر کارمندان کم درآمد و معلمین بایستی تأمین گردد.

سهر حال امروز ما امکان یافتنیم که با حفظ نظرهای رعایت و آنرا خام خودنمایان در جارچوگری نظام و قوانین موجود بطور رسمی، قانونی و دیکتاتوری خطوط انتقالی و مردمی مان را پیگیری بکنیم و در معرض دادوی مردمان فرار بکشیم.

بدینهی است که ما از هر فرمت دیکتاتوری استقبال می کنیم، ساکل میل و شکرگزارش هم خواهیم بود، البته، اکثر قدرها و امکانات دیکتاتوری برقرار



برآ دران ایوجیاد و سعو در جوی بعد از آهاده شان ایسالی پای سار عرفات در  
هر مس افتتاح شایشله فلسطین. پاس عرفات این شال را توسط ایشان شیخ  
سعده رهنما به شیراز فرستاده بود که توسط ایشان به سعده آهد<sup>۱</sup> شد.  
پسند و استمرار عق پیدا یکنند چه بهتر، ما نهایت تلاش خودمان را خواهیم  
گرد و اما، هر موقع هم از امیریسته و ایادیشان مانع بشوند و امکان حرکت  
فناونی و رسی را در دسترس صورت شن از نیروهای انقلابی سلب یکنند، خوب،  
آن، ای ایستاده است. دیگر، کرد.

## وحدت و مضمون آن

دوم، وحدت ضادهای بیانیست. سیار صحبت از وحدت می‌کنیم، شفون  
این وحدت چیست؟

وحدت دققاً حول یک تفاضل می‌گیرد. بارها این را تکرار کرده  
ایم و جریان عمل مه کوشاست، حیران تصرف لاده جاسوس، گواه است که  
جز در مسیر حل مشکل و درد اصلیمان یعنی امیرالبیزم ما نخواهیم توانست  
خلفان را رساند و حدود بستکم و درست به عین دلیل بدون آنکه روایط  
استعاری را برایه امیرالبیزم، پخصوص امیرالبیزم آمریکا را خواهد شدند، بدون  
ضاده رسمایپهای، بدون افتخار، تمام این روایات، اختلاف ما پیش نخواهد داشت.

پنجم، وحدت سوال هم مقدم، مکره‌دار نمی‌خشدند؛ بعد از ازهان نوبت آمریکاست؟

چهار مردم اینقدر راهی‌بیانی کنندند؟ چرا اینقدر فربادی می‌کنندند؟ آیا این درست  
است که هنوز ما فرهنگی را روایات و ایده و قراردادهایمان ندادهایم؟

۲- بازهم آزادی، یقیند شورانگیز است که مأمور باز هم در داشته‌گاه

پهلوان، ما بخاطر میاره با سازشکاری، میاره با شفودگدن و نزیو  
کردند نیزهای راستین اقلامی، بخاطر قا و رشد هرجه بیستن آن نیزهها که  
در گذشته امالت خودشان را هرچه خوش نشتر نشان دادند—بخاطر میاره با  
امیریسم و سیاست‌نوین اسلاملاطحه حقق شد (منظور میدان اهل اسلام  
طلیلی و از دور خارج کردن انقلابیون)—بخاطر میانت از اقول و فقهای انقلاب  
یا روز و قتن در جایاری احرافی، بخاطر یاران دادن به نگاهدارنده‌ها، ترقه‌ها  
تغایرات ائمه احرافی و واپسگرا در اختیارات خیر شرکت می‌کنند. مخصوص که هجت  
کربلی ضادهایریالیستی جدید که با الام از خواسته‌های اسلاملاطحه ایام، به داد  
دانشجویان قهرمان بیرون خطاطم بر انگخته شد، «ضاقا» بروجش دروغی لعلقان  
زمینه‌های میانی این بحث را میسر کرد و سرانجام تصویب امام بر ازادی اذکارش  
بردم در اختیارات کاندیدهایی موجود، دیگر بخاطر پرای باری خود خورهای  
عمیقاً شفودگدن اسلاملاطحه است در صحنه نیشت. و بهمن دلیل ضرورت شرک هرجه  
فغانیز نیزهای اقلامی را بخاطر منظورهایی که فکر طرح می‌کند. اینجاست که  
با روز دیگر ضرورت تحمل شخص از شرایط شفتش عاشکار شوی ضرورت احتران  
از سادمهایی که قشری و باطلانه دکامیستی و مانعنسیتی طرح می‌شود.  
قابل بررسی شرایطی که فکر زینه تا حدودی براي علمکرد نیزهای این معما  
شادهایریالیست شفاهتم شداست. و به این دلیل است که مامی بایست حد اذکار  
آمادگی و مهارتی را در اختیارات موجود شان بدهم. شاید شنیده باشد که  
امیریکایی ها تهدید کردند امداد که: «نخواهند گذاشت اختیارات ریاست معموری  
به آخر برسد». و اینجاست هستند تا مشت محکمی ب دهان امیریالیستها نثار نکنند. در اینصورت  
اگر امریکا قصد جووم دارد از کتف هریمی امام خلقهای جهان را به ویتنام  
دیگر بشارت می‌دهیم. نیزه البته سینک و طولانیست. اما همچنان که بارها  
گفتتم، این میهمانی را بخاطر شهادت و را برگشتن در ترجیح بدهد شکست  
نایابی خواهد شد و پوزه امیریالیستها را بخاک خواهد مالد.

ما با شرکت در انتخابات دو هدف را تعقیب می‌کنیم.

در همین رابطه است که ما با شرکت خودمان در انتخابات مشخصاً دو هدف را تعقیب م کنیم: یک در زمینه سیاست و دیگری در زمینه تاریخ

در زمینه سیاسی ایجاد یک نقل انقلابی بمنظور مواجهه با امپریالیسم و اجتماعی.

با نیت هایی داشتند.

به صالح تربیت عمل و واگنون کردن بست و طافوت احصی جهان - سربرست همه شیاطین دوران - نتیجتنا بهمین دلیل شرکت هزجه فعالتر را از تمام نیروهای انقلاب آزاده، فردامیلیست طلب می کنیم.

به این ترتیب این راه دادن به کفر با یک سازمان، بلکه اساساً تایید می‌براند انتقامی و بلکه یک جمیع انتقامی و بدل کل انقلاب رهانی بخش، خداگریالستی و اسلامی ماست. اگر غیر از این بود جنبش انتقامی بدور

نات آنچه که من می دانم این اولین بار در تاریخ سازمانهای انقلابی مسلح  
جبان - نایاب معاصر است که یک سازمان انقلابی که در دهه هشتاد و هشت  
گرد.



ملاقات با هانی الحسن در سفارت فلسطین

حامله شدن زن ننگ نیست،  
ننگ "درجه دوم تلقی کردن زن" است

۴- تأمین حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مساوی برای زنان. صحبت از آزادی می‌گردید، اینهمه یکی دیگر از مورا اجتناب نایدیر آزادی است. می‌دانیم که یکی از نتایج تقسیم جامعه به طبقات مختلف، سنی است که در طول تاریخ بُر زن و فضاعت،

فرهنهاد استنادی هفته نز از شان درجه دوم تلقی کرد و مذکور است، بسیار از این اتفاقات از جای خود پیشاند، از جمله با مقابله ساختن فنزیلولوژیک، تا دلالی با صاحبان رئیسیت از پیشاند، از جمله با تبعیض مبنی مان و مرد عروگی از نز دنار و نمی داشتند. عروگی از نز دنار و نمی داشتند.  
باشد بر اثر تبعیضات کما اینکه بوزاری غیری هم، شقایقی جز تلقی این اتفاقات را داشتند.  
اما در این اتفاقات اسلامی از میان نیز نیست، این نتیجه را می شود با قایقه موقوفت نز قبل و بعد از اسلام بدست آورد.  
زنی که قبل از اسلام تک تلقی میشد بعد از اوح رهبری انقلاب فرار گرفت، فراوش نوشت که دیدم زنی زینب علیه السلام را، فراموش نکدم که اصل اساس اسلام برتری از موضعی که به تقدیق راهی خشن و هنچ تبعیض دیگری ارزشیابی نمیگیرد.  
از زنانی، فرهنگ طبقاتی، برای سالها در طول تاریخ دن را موجودی درجه دوم تلقی کردند، اما انقلاب ما و سوابق مبارزاتی جامعه انسان شان داد، خواهان و مادران ما را که سلاح در دست گرفتند، به دادنایی اعدام و شکنجه و فتنت و آنچه حقیقت خودشان را اثبات کردند و اینکه دوش پیش رفته بودند.

ماهیات و اینستادنی تصور می‌کنیم که آزادی خلق و میهمان را فدا  
تصبیحات گور نمکند. نیز بحث می‌کنیم تا دست در دست یکدیگر به صحنه نبرد  
اصلی یعنی تبرد با امیرالمرسانی برمی‌رود.  
به قول ما به آزادی عقاید همه اخترام می‌گذاریم (در اینجا اینو  
جمیعت بیکارچه فرباد می‌زندند درود بر روح، درود بر رجوي (...)، اگر موضوع  
ما پرورد است، پایانی را در میدان شدن شنیده بهم...).  
آیا زی اینست که حقان باعث شدند خفاهای اجتماعی خواهشند؟  
و بالاخره اینکه بینظیر ما آزادی کامل یعنی رهایی از تمام قید و بندنهای  
اسارتیار و بهرگونه.  
سوم، این از کارگر و دهقان کردیم، ظورمان تأسی حقق همه  
زمیخستان است. آزادی همه رحمتکنان از دید قفر و جهل و بندگی، آزادی  
آنهایی که سازندگان واقعی تاریخند و قام تمام اینها و اغلاطیون اساساً بخاطر  
تجاهات آنها از بوغ ظلم و استثنار بوده است. و اینجاست که قرآن مزده  
محوقیت اجتماعی پایدارترین، غیر ترین، و معسینترین و فادرترین بشوانه همه  
انقلابات اصلی هستند، و به نظر ما میان اصالت هنر انقلاب در اینست که به  
جه طبقاتی تکیه داریم.  
از طرف دیگر می‌دانیم که برندۀ ترین سلاح در نبردهای انقلابی همان  
تودهها و طبقات رحمتکن و محروم هستند. آنهایی که قربانی تمام ستمهای

گردهم آیی شکوهمند انتخاباتی مجاهدین خلق دردانشگا

۲- من به تمام معانی و جوانب و الزامات تمام عبار برname اعلام شده آگاهم، از اینکه بدلیل مجموعه کارکردی های سازمانی است که مالها از آن تقدیر می کنند، مام، لذا بخوبی به این نکته علی (ع) که سلطنت ایران را در اینجا فرهنگی می بینیده اشاره می کند: آن هستم و می دانم که تحقیق هر برname ایاعی به ذرازمات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی همراه است، مثلاً آگاهم که مبارزه ضد ایرانی بالمرتبی در اعمال اعماق اینکه خوش با گشتش و پیاده از آزادیهای اصل انقلابی، عجین ترین تلاش است، همراه و انقدر کنایه از است. طرفداری می بودن بدن پسیح بین خلق، بودن نیکی به اینوو جوانان اسلامی، این برname ایاعی را پیش برد؟ مردان جوان ما در هر کجا که می کنند، چه در داشکشا و چه در مزرعه، چه در کارخانه و حتی در وزرگشانه می باشی مشکل، پسیح، همانگ و در مسیر یک برname انقلابی کام بردازند. در کذتنه بود که زیرم جدا می کرد، و نوشتگر را از روحانی، درس و فرقه ای سالم در سریع یک برname انقلابی.

## در مورد آزادیهای اجتماعی:

تضمين آزادی كامل عقیده، بيان، قلم،  
مطبوعات، احزاب و كلية اجتماعات  
سياسي و صنفي باهر عقیده و مرام.

مینیطرون من آکاهم که چز با تلهیه کردن پرهگونه اختناق و جیر و ظلم و تقریر و اشتفاق حال است که مانندی اتفاقیاتی را به شر برایمنیم . حال و است که مانندیم به مسائل و پرسش درست خامه خودنمای پاس دهدیم . از مسائل کار گرفته تا مسائل مسکن تا بهداشت و تا ساله رفاقت . اینها تمامی استشاری و طبقائی دارد .

و من با سوابل ضروری تحقیق این بزرگداشت و بدان پیشگیری هستم .

سازمان مشتکل اتفاقیاتی است رخ اختیار داشته و بدان پیشگیری هستم .

قدانیم یک سازمان اتفاقیاتی رفکیر ، کیمی او عجیب ترین گمودها و نارسانی ها و نقاشی اتفاقیاتی است ، لیکن من مشتکرم بسیار هست به سل شناخت و تظاهر نمده در عرض و تکب که چز خدا و ملکه . خشی را در نظر داشته و نیز خواهد داشت .

انواعی از مردان و زنان پاکاکشته و برازنده ای با عهدی خوشن و شربار اکه از هیچ چیزی خوبی نداشته باشند .

مشکل در راه داد و خواهی هر آنرا حل کردند.

۴- چهارم و نکته آخر، بنیاد کار مانندی بر مکتبی است، خادی و مردمی راهنمایی را که اینها می‌گیرند، پردازه‌گوئه استداد و استثمار و بهره‌مندی با نظرهای پاک، حق، بکست و منسجم که زندگی را تابعی در عقیده و جهاد خالصه کرده و شریعت تخت سمت از دین و اسلام را در دیگران آزادی، حسکی و رهانی و پاکی را پذیرفته است.

پانزده را بخاتر داده و می‌دانیم که کارکردن بحرسب بک مکتب و با آن زیستن، و با آن درون و آن معنی وزیریت، و تمام مملکات و فشائیه را تقبل کردن، البته کار دشواری است و بهینه دلیل ما روزی می‌کنیم و از خدا خواهیم که با محابیت مردم در این راه موافق باشیم.

سلام بر خلق - سلام بر آزادی

مواد آن، نکار می‌گیرم، صرفنظر از بروزی تک مواد آن، در مجموع، مبنای قابل بحث است از آن‌جا می‌توانیم ازای جل و فصل شناختی ساله که در کوستانتن، تلقی کنیم، با آن‌گذید که این انتقالات، تعابیت اوضاعی و حاکمیت ملی ایران و همچنین خواستار طرح و بروز آن در مراجع مسئول، مجهله است. پس از این‌جا می‌شود دعوهای این‌جا را مطلع کرد. از طریق سازمان مامیمه‌نشاد دعوهای این‌جا را می‌شوند. اما چند نکته اساسی باقی است. از جمله اینکه: برخانه زیبا و دلنشیزی که این‌جا می‌گذرد. که نکن از نوشتن البته کار داده‌ایم، مهم آرای آن و دلنشیزی که این‌جا می‌گذرد. برای اینکه جای ساز محتواهایی که بقول قران، قوبیم پای‌واههم، گذاری کنار گذاشتیم، حرفي است که از دهان بخوبیم می‌باید؛ ولی من این‌جا در مقابل حرب مقدس خلق و میمهم بایستی تصریح بکنم و سوگند کنم؛ که: ۱- بدليل سوابق خونبار علمی جریان پروفتخاری که در طول تمام سال های انتفاق اتفاق‌خوار همگانی با آنرا داشتم و بروز عده‌دهم گیرم که همه برنامها و حرفاها را کلام به کلام و حرف به حرف، جامه عمل بپوشانم.

درویش تمام مردان، با حقوق منسوبی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی قادر هستند که سالنت خودشان را در ایجاد جامعه انسانگردان، آبنا کنند.  
اینها نیز شرکت نمودند و اقتضیهای خود را معرفی کردند.  
خواهدنیهاد و در مقابلشان تضمیح خواهدکرد: «خوسموا در عمر اتفاقات، در حصر ازکاری که بر تو داشته باشید طوری می‌بود از نقش اینها بسیار کمتر است.»  
جهنم می‌شود از این را تاریخ دیرگفت: «جهنم می‌شود آنرا درجه دوم شغلی کرد».  
حامله دشن و زایمان نیست که نند. است. نند. درجه دوم ظلقی کردن  
زن است.  
به عینین دلائل یک بعد سلم تمام اتفاقات رهایی بخش، آزادی زن از بوغ این سنتهاست که در اساس از بهره‌نشی و ستم طبقاتی نشان کرفته است.  
البته روش است که ما نمی‌توانیم صوف اندیلان را بین زن و مرد جزیه کنیم  
نه، ما این مطلب را هم دقیقاً از طریق وحدت تمام اشتار و صوف خلق در مسیر نبرد واحد ضد امپراطوریستی پیش خواهیمبرد. چرا که این سمت نیز تنها در همن طرق، تنها در همن مسیر قابل حل است.

در مورد حقوق زن:

نایابی دستمزد مساوی در برابر کار مساوی برای زن و مرد.

آخرین نکته، تامین حقوق ملیتها و آزادی آنها از ستم مغایف است. به همه مردم ما ستم می شد، اما این ستم وقتی که هموطنان گرد، یا به لوح و ترکن و عربستان مرسید، مغایف می شد. زمزمه‌گذاریها در آنجا خبری نیست.... مسائل عالی مانند اقتصادی هستند و جزء شوه اتفاقی قادر به حل آنها خواهیم بود. خوشخانه، بعد از پیام تاریخی مورخ ۲۶ آبانه امام خمینی، مسکن نیز میتواند راه را فصل نهانی این مسائل بپذیرد و میتواند این مسائل را حل کند. دیگر نمیتوانیم بینکنیم که این مسائل بپذیرد و میتواند این مسائل را حل کند، حقوق ملیتها و کوههای ایران را با راه را فراخواست. از قضا دینیه از طریق اعاده حقوق ملیتها که می شود بر اینوای و اقسام وظنهایها در این رابطه بپرسید. شد.

بهینم دلیل میگیرم که این پیام را شکاری از نکنیم و بهینم دلیل هرگونه حذفکاری را دینیم، برینم پیام حکوم می کنیم.

اگر شنیده باشید، خوشخانه دیپث هم امام گفتند که راضی نیستند حتی  
که سفیر پس از گفته با خاک و خون بیند، خواستار مبلغ می شوند از کردستان  
نمی شوند. ما ایرانیان این هستیم که این ساله هم در چارچوب نبیر و واحد  
ایرانیانستی به مرحله خودش تبدیل شدند و به سمت حل و فصل نهایی  
خودت حیران پیدا شدند.

مدیریت اقتصادی کرج، چمی ای  
جوانان سلمان خلخال، غلبهای  
انگین داششوبان سلمان داشکاه  
حفظنحوادزه شریعت

\* اساتذه جلال چشمی طی  
الملاعی و زوادی برادر ماجد سعدو  
رجوی را "جهنمی از خواهی اندیشه"  
نمایید و عاطر شان کرد از آنها  
حالات مومنانو صلات و شور  
ابودزی "رسان" از میرزبیرون  
خطاطران دوران زندگانی است،  
خفور از زمان روزبار تحریره اغلب را  
همه هوشیاری و بیداری اهلی  
شمارت فرق اهداف راستین اتفاق  
نماید. نامزدی سعیدو مدل استعفای  
کردن را برای من حل و بند و بیان  
که مفکران آنها ام از روحانی و غیر  
روحانی، در این پرونده بفریشید.  
\*\* هجینیون ابودر و دروسی ای  
اشتار اعلامیهای من بنظر این نکته  
که "اکنون" بمناسبت ذاتی و درونی  
هر حاکم و حاچایی سلطان  
شده و پروروت تغیرات معنوی و اقلایی  
در کل انسانیات ایجادی و اقتصادی  
هرچه بیشتر اسلام میتوان باستی  
آنرا اتفاقی و بیشتر اسلام که در  
کار تشكیلات و سازمان دفعای  
فالنتین میگردند و اراده شدن  
اوایلک کرد که "برابرایت بحرانی  
کنونی و محضما" با توجه و قصیت  
کردستان و... در میان ناپدیده ای  
موجود شایسته ترین فرد برای اعزام  
ظام ریاست چهوبی را برادر مجاهد  
و اتفاقی در اعلامیه هوداران اسلامان  
\* علی خلق در کردستان با شایدی  
برادر "سعیدو روحی" آید است: اما از  
شایی خلق کرد، از تعانی نسروای  
اعلامیه نوشی و خواهش که در آین میازده  
ادلانه شرکت گردید و بین ایندوی  
انقلابیون و ترقی خواهان اصلی  
قدیمی تعلق و تصریف کرد.

\*\* هجینیون ابودر سلمان بادا تو  
دمدنهان که سازمان جاهدین خلق  
ولین نیزیو اقلایی و میازد و سلمان  
بود و در این دور کرد کنون همای  
مردان در منه" میارزات سیاسی  
داد. و اعلام خلق از ریختند آنان را شان  
از زنان میازد و اتفاقی تهدید: "مامصران  
بقدیر محمد

تمدن برای پناده کردن برمانهای  
اوست.

انگین داشت آمزان سلمان و  
جهنمی از کلکاکان بحقیقت پرتوشی  
شیوار نیز اعلام داشتند که از  
کاندیده اثوری میباشدین خلق فاطمه  
بشقیا میگردند.

\* در شمال کورمان گروههای  
مختلف از مردم شهرهای خود درگوست  
که کردند از برادر مجاهد سعدو رجوی را  
به بیان این جمله است: انگین  
داشت آمزان سلمان دیرپستانی  
پایلیز - انگین داشت زران  
سلمان دیرپستانی آمل - چینش  
حلیم سلمان آمل - سوانان سلمان  
روستانی پالسلو امکلر - جوانان  
کورگان دیکلا - کارگان سلمان  
کورگانهای آمل - سلمانان پیشو  
راپسر - مجید عالیان فرمادن ساقی  
پایل - صبح فرمادن ساقی آمل.

\*\* هجینیون گروههای اینچهای  
زیر از کاندیده اثوری سازیان مجاهدین  
خلق اعلام شنیدنیون فردند: کانون  
پیشوکران طلکوا - مهاریان علق  
ایران - جوانان سلمان کرامشاده  
انجین داششوبان سلمان داشکاه  
سازان - جوانان سلمان عادهندشتی  
جوانان سلمان بودند. انگین جوانان  
سلمان میتوان بآدای - جوانان سلمان  
سعادت آبادی - گروهی از جوانان  
سلمان ملت آباد - گروهی از داشت  
آمزان دیرپستان سمه دیده لای -  
جهنمی از داشت آمزان دیرپستان  
صدق - جمی از جوانان سلمان  
خلیان طالقانی شهدی - انگین داشت  
بوزان سلمان دیرپستان شیربور

\*\*\* جوانان سلمان طالقان، اینچین  
داشتن آمزان سلمان دیرپستان از درم،  
جهنمی از جوانان سلمان خلیان قزوین  
انگین داشتن آمزان دیرپستان بایک  
انجین داششوبان سلمان کرج،  
فارابی کرج، اینجن داشت زران  
سلمان دیرپستان سلمان طالقان، اینچین  
انجین داشتن آمزان سلمان کوی و ایل عمر کرج  
انجین داشتن آمزان سلمان هدان  
انجین داشتن آمزان سلمان تبریز،  
انجین داشتن آمزان سلمان همای  
دانشکده کاوارزی داششوبان خفتندزاد و شایع  
طیبهی میگردند، غیره عالی داششوبان  
سلمان دیرپستان داشتند.

**ممهوری شرکت کرد ۵  
ان مسعود رجوی**

ایشان اعلام شده بوزیر خصوصی  
تمیزی سرنوشت خلقهای ایران و قبول  
طرخ ۱۰۰۰ ماده‌ای خودستاری خواهند  
شایانیدی غلق کرد. بمعنای مینا  
برای داشتگاری به منظور حل و فصل  
نهایتی سله کردستان، حرب دمکراتیک  
کردستان ایران از عهده افغانستان  
هواداران و دوستان خود در کردستان  
وکلیه مانع کثیر از خواهد کرد هرچه  
و سعیتر در انتخابات ریاست جمهوری  
مجاهدین غلق ایران برادر مسو  
رجوی رای داشته‌اند.

کمیته مرکزی حرب دمکرات کردستان  
ایران

\* از شهید انتخابیان داشنچی‌پور  
سلمان راکز و مدارس باقی مانده  
من بنام اعلام پیش‌نیای از کاندیداتورهای  
مسعود رجوی بهت رسید جمهوری  
آغازه کردند که امام  
ستویانیتی تنها در توان ایام اسکد  
استخان غاییستگی خود را در سالهای  
سیاه و سخت دمکتاری داده باشد  
محبین اینهمن داشنچی‌پور سلامان  
دانشگاه، شهید، استثنوی تکوپار  
هزاری شهید، انجمن انشا ای امرا  
سلامان اینچن زنان سلامان و اینهمن  
کارکنان ادارات شد پیش‌نیایی  
را اعلام داشته‌اند.

\* از شماره روحانیهای «ختنه»  
پیش‌نیایی خود را از برادر مجاہد  
مسعود رجوی اعلام داشته‌اند: انجمن  
داشنچی‌پور سلامان دانشگاه سفر از طریق  
اعلامیهای اعلام داشت: «ما معتقد  
هستیم که این اعلان علیق طی  
سال گذشته از جهادین علیق طی  
مازیاری خوش امانت گذشت که  
نظریات خود را به این انتخابات ماندن  
در زیستهای انسانی داشته باشد  
طرخها و پر زمانه‌های راه را در کار  
نمایار و کلام بلکه در حل و در جواب  
نهایتی حقوق توده‌های حرمون پیام  
خواهد کرد.

در اعلامیه اینهمن داشنچی‌پور  
سلامان استنتها و مدارس عالی  
شوار آمده است: «که میرزا  
مسعود رجیس و نلان را برادر مجاهد  
رجوی بپرین می‌نمایم ملاحتی وی  
استقرار و مفعول خودشیند به انتخاب  
از این احمدین مسعود رجیس

دھم، بدھی است که شرکت ما در  
این انتخابات و دعوت هم مینهان به  
شرکت الالانه و دادن رای داشت به  
آنها مشغول رجوی، به همچویه  
نهایتی تایید قانون اساسی نیست، بلکه  
سیطره شاهزاده بعضی چشمیهای مشت  
در برنامه‌های انتخاباتی سازمان  
مجاهدین غلق و پرای جمع تردد نموده  
می‌باشد.

ایران مسعود رجیس از این به کرد یک  
اعلامیه توپیخواهی خود را که  
منضم شناسی شفیع علی شرکت  
انتخابات و بیان موافق (کوبله) در  
انتقاد از کوسموا و ایهات پنهان  
این انتخاباتی سازمان مجاهدین غلق می‌  
باشد. به اکاھی لفظیهای مینهان می‌  
رسانیم.

سازمان اقلایی زحمتکشان  
کردستان ایران (کوبله)

۵۸/۱۰/۲۱

دفتر کوبله مهاباد

۰۴۲۱-۲۲۵۵

\* \* \*

نظر حرب دمکرات کردستان ایران  
درباره انتخابات ریاست جمهوری

م هوطنان کرامی - مردم مبارز کردستان  
مینهان که اطلاع دارید،  
انتخاباتی مینشنین دورة ریاست  
جمهوری اسلامی ایران در ۰۹ بهمن  
بهمن ماه مبارز کوکر برگزار خواهد  
در سراسر کشور می‌باشد و پنجاه و هشت  
بهمن نظر خود را در این مورد به  
اکون نظر خود را در این مورد به  
اطلاق می‌باشند اینگاهی ایندیمهای این  
ملی و دمکراتیک سازمان مجاهدین  
تجویح ایران و در قدری فتن شخصیت  
کاندیدای این ایام از این امر را برای  
سعود رجیس و برخانی از که از طرف

کردستان یکپارچه در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرد  
و به کاندیدای سازمان مجاهدین خلق ایران مسعود رجوی  
دأ خواهد داد.

سراسر ایران بزنانه شد امیرپادشاه  
سعود رجوی مورود توجه خلق کرد  
تایید مده جانبه او خواهد بود  
اعظمه شماره ۹ هشت نایابند  
خلق کرد

هموطنان مبارز، خلق روزمنه کرد  
هشت نایابندگی خلق کرد بد  
و سبله به اطلاع عموم می‌رساند که  
انتخابات ریاست جمهوری فرکت  
کند و به آنکه سعدو رجوی کاندید  
سازمان مجاهدین خلق ایران رای  
داد. عنیر شرکت بخاطر وجود عدو  
های منتهی در برپانه اختیار نداشت  
سازمان مجاهدین خلق ایران از  
تاکید بر مبارزات خد و اسلامیستی  
دفع از آزادیهای کارکردگی و  
تائید طرح دادهای خود مختاران  
کردستان بنوان مبنای مناسب بر  
ذکارهای پیش از

هشت نایابندگی خلق کرد  
مردم مبارز کردستان و سراسر ایران  
دموکرایی کرد که در این انتخابات  
فالانه شرکت جویند و به آغاز میاهد  
رجوی کاندیدهای سازمان مجاهد  
خلق ایران رای بدهند.

مسئلوبیت بزرگ را بپذیرد و حدت  
تحامی افتخار و طبقات خلق را فراهم  
آورد. بلکه تسبیحاتی ازوی برای همه  
نیووهای ملی مادری مردمی، بک و وظیفه و  
مسئلوبیت انقلابیست

اینکه ما بخوبی از علمیهایها و  
بینانیهایی که در رابطه با حیات از  
کارگردانی برادران مجاهدانه دهیم  
رجوی تا حال بست مرسید، دهیا  
می‌آریم:

«هرما رضانی مادر رسانیهای  
شبید رضانی مادر رسانیهای  
سمود را از سالها پیش از زمانیکه  
کار فرزندان، شبید رضانیهای میرکد  
و سالانهای که در زندان نمکنه میشد و  
مقاآوت میرکد و همچنان برای آزادی و  
نهاد مردم زندانی را پای چویه اعدام نزیر  
نهاد، مرمد رضانیهای فرزند میره  
مادرانی است که داده دادهند و  
من اشاره که این مطلب که سازمان  
مجاهدین خلق ایران اوابل  
خواهاران را در کار برادران زندان  
مشکلات انقلابی خود کرد، راکید  
کرد که «من حق واقعی حقوق ن و  
فرنگیست برای زن و مرد در این انتخاباتی  
اجتنبی است را در پیامهای دهن آرمانهای  
ایرانی ایرانی

بنیاد رسانیدند. این  
بله! کارزار خیرگارانها افای  
شیخ عزالدین حسینی در مک شناس  
علمی اسلام داشتند که:  
”مردانخواهان“  
شرکت کرده و به سوده رجوی گاندید  
سجاده‌نامه علی ایران رای خواهند داد  
ایران شناختی کردند. اند، توجه  
به برنامه راست جمهوری ایران که  
کاندید سازمان سجاده‌نامه علی ایران  
بسویه شناختی کرد بر طرح ۲۶ مدادی  
کردستان را نشانی توجه خاص به  
خواسته‌های علیک کرد و در همچنین  
دفع از آزادی بهای فردی و عمومی در

انضباط اقلابی و آهنین، اطاعت کورکور آن‌ههار شهای مزدور  
آن‌فی و انضباط آگاهانه را حاگزین آن سازید

ترسم گند و بدینوسیله نه تنها در هیچ حرکت سروکارگاه بر علیه نیروهای خلیفه و ضادنیازپرداز بوده و مسلمانان جاهد و شریعتی الوهی نشوند بلکه خود بعنوان پاسدار انقلاب در مقابل اینگونه توطئه ها و در تحریکات مقاومت گرد و دست آن بنده و به اتفاق اسکریو بر علیه همکنون و طراحان را در جهان این قابل سائل قرار داده و مغوف خود را از این عنصر تصفیه نمود. همچنین با شکل شوراهای در عین اجرای انتباخت انقلابی و اینهی اطاعت کوکوگرانه ارتشهای زیور از نفع و انتباخت آگاهانه را یافته و آن سازند. بدینوکوتیده اسلامان سپاهی را وابطه ارزشها و بودجه حاکم بر این اموری که بعده خلقی انسان انتباخت پیشتبانی خواهد بود نواده های محروم و سراسر اسلام خواهد بود احیاناً خد مردمی سوق دهد. بدیپیشته که در این عالم امکان بحث و بروز عقیق پیرامون مسائل فوق نیست. اما مینهادن می توان به ویژگیهای انقلاب اسلامی مانند اشاره شدید در راه آن جان باختند این ویژگیهای که بطور خلاصه در محتوا شدمایریستی، ضد دیکاتوری ضد اجتماعی و ضد استعماری مكتب رهایی پیش اسلام تبلیغ می باید، در عین حال مقتدران عیار شخیصی نیروهای انقلابی و متربقی از نیروهای ارتباختی و انتباختی اس است. رهنمود مهمی که از ویژگیهای انقلابیان در این مرحله ناشی می شود، وجودت تمام نیروهای خلقی است در اقبال شمشان خالق که در رأس آنها ایمان ایلیزام ایمنیست. همان دشنی که بقول امام باستی همه قلمروهای فدکها

واقعیت چنین بود که نه تنها کاشانی بلکه سیاری دیگر از سرمایه‌داران حتی از زیر زمین همچنین حداقت‌دیده‌ترین در پیوند و بودن یا ولی شورا که از ابتدای قاهر خود را بر ملی شدن گرفته بود با جایزه‌ای بر این ویارت منابع و مادن را برای ملی کرد کارخانه در این میان موقایل اینجا شده تقریباً در بدبانی این جهیان از وزارت منابع و مادن یک هیئت گردشگری را برای اداره کارخانه در ظرفی که معرفت شد از اینها را کاشانی (۱۱) بادش وی شورا با تکیه به وحدت نظر گارگران قاطعنامه را در کرد و حداد داشت که نه تنها رضا کاشانی و جلال کاشانی اجازه ورود به کارخانه را ندارند بلکه می‌پایستند نماینده شورا نیز شرایط هیئت پادشاه را بر این ویارت منابع و مادن این سه سلطنه را پذیرفت و هشت مشکل یافت بعاین ترتیب نلاش پیگیر کرد کارخانه را خواست که شرایط پذیرفته و دست می‌خورد از این همچون گذشته ساواک و وزارت امنیت را پشت سر خود ندادشت اینباره با تکیه به وزارت گارگران که بنا به این هم دستگاه شورا بود در آن کارخانه را پذیرفتند و گمیست از للاحته این سه سلطنه شورا در میانه‌های اینجا این سه سلطنه که حتی شماره ۱۴۱۱:۱۵۰۵۱/د تاریخ: ۱۳۵۰

کارگران کارخانه انتشار  
اعلیحضرت شاهنشاه آرامامسر  
بازدید ارجمند نظر رصیرت  
باشندم احترام  
رشاکانی اخسوان  
بمات کاشی و سرامیک سعدی  
روزان برایمان فرستاده‌اند

و اما بعد از بدمت گرفتن کار  
خانه پوشیده شورا، خواسته شد  
که کارخانه به شکل شواری اداره  
شود و دولت می‌گردید که مدیر عامل  
سه نفره مرکب از رئیسین، مدیر عامل  
پیک عضو ساده، رئیس کارخانه و اداره کننده  
شورا با هم اینکه اداره کنند  
این هیئت سه نفره تحت عنوان "امین"  
جهت اداره کارخانه معرفی شدند که  
آنها را بوسیله این هیئت  
خانه پوشیده شورا از پیش از  
شروع هیئت سه نفره بعد از پیروزی  
کارگران پذیرش زیر است:

۱- اخراج مردمی مدیر عامل و کار  
فرما و نظارت بر این منعクロغون دشن  
او و تغییر عناصر واسطه.

۲- اتفاق فرازده‌اندیشی جدید  
تصمیم به تجدید نظر در بعضی از  
دادها به جهت رفاه مصرف کنندگان  
جز.

۳- ایجاد خط تولید شبانه  
بالایردن تولید به میزان ۵ هزار  
کاشی.

۴- کم به راماندازی کاشی  
حافظ شمار.

بردید که درین میان بعدهی اینها بودند.  
بسته آن شناخته کردند که شدن.  
و درست در نتیجه من چندین حکمی  
است که نیروهای مردمی و سازشکار با  
تفصیل اتفاقی، محله و هموم بر علیه  
امیلترین نیروهای انقلابی ماهیت  
خود اتفاقاً می‌کنند.

## امیریالیست رابه زینیل

**ضرورت هوشیاری پادشاهان انقلاب**  
 تا اینجا ما با نقش عماری که  
 پناخ در اگرگاهی های جامعه فنوز کرد و باعث  
 و تحریک افراد پسندیدند بپوشوند پسندیدند  
 لطمه به کل انقلاب ایران میشوند بیش  
 از بیش آشنا تدمیر، مهدویین موافق  
 و دیدگاهیان را سازمان مجاهدین خلق  
 را تجویز نه راهی به افتخارها و مرتضیان  
 مرتعنی اجلاً<sup>۱</sup> مورد بررسی قرار  
 دادیم، اما آنچه که نه مورد پاسداشان  
 باستی خاطرنشان کنیم این است: ایجاد  
 پسراندن پادشاه نیاست؛ ایجاد  
 بدنه‌که مفهوم انقلاب و ضدانقلاب

تلاش پیگیر شورای کارکنان کاشی سعدی  
برای ملی کردن کارخانه به ثمر می نشیند.

اندازد. و کلیه مراحل تولید و فروش را در اختیار خود گردید و از طریق فروش کاشی ها و هنچینین مواد قراره کار خانه بزرگ خود حقوق به کارگران پیردازد. سینم در مرحله بعد سینم پسند نوشت در جهت تعدیل دستمزدها از حقوق مهندسین کم و به حقوق کارگران افزایش نمود. اندیشه هنچینین شوری شد در مقابل اتفاق افتادن حقوق، باریکو افزاش قیمت کاشی از ۹ ریال به ۱۱ ریال ایستادگی کرد و موافق من شد قیمت را ثابت نگذاشت. اما سرمایه دار هم بیکار نشسته بودند. هرچند که دیگر همچون گذشته ساواک و ڈاندرمری را بشتر خود داشتند. اینبار با تکمیل که وزارت کار (که بنایه گفته کارگران هم سلطان کار باشند و در آن نقش مهمی داشتند) و گمبهه در غایل کارگران و

سوزه برای موقت ۱۰ ها  
سازمانهای اجرایی سلکت که حتی  
شماره: ۱۸۶۱  
تاریخ: ۱۳۵۵/۱/۱  
هزمنام با شروع مجدد کار، در  
هزمنام بازگشت کارگران به سرگار، در  
حذاصل آتی نصراقبیان  
استند ارجحتم سارس  
محبماً تفاهمنشود:  
اجازه فرمایند مدیران، کارگران و کارگران کارخانه انتشار  
آنرا داشته باشند که پیکر باران اهلی حضرت شاهنشاه آیا میر  
وارد رکارخانه نصب شایند.  
خواهشند است ضمن بازدید از محل مورد نظر در صورت  
موافقت اعلام غرایید.  
با تقدیر احترام  
رشکانی اخیران  
بدینام کاخانهات کاش سامانک بعدی

به سمت آن نشانه گیری شوند.  
و درست در متن نیندن حرفکی  
است که تبروهاتی ترتیج و سازشکار با  
تفصیل افکنند، حمله و هجوم بر علیه  
اصطبلتی تبروهاتی افلاطونی مایه‌ی

از اعتماد آنها (بادسازان) همچو  
بروهای انقلابی و ضرورتی افشاگری  
نها دست به افشاگری  
باشند. زیرا مهمترین زمینه فعالیت  
ناصر معلم الحال، ناکامی دیگران  
است. و بینتیجاً اگر بادسازان  
ضرورتی افشاگری جامه مان  
 بشناسند و ماهیت و عملکرد نیروهای  
 مختلف را با توجه به خواص  
 سیاسی - اجتماعی - اقتصادی  
 بدهند، دیگر کسی قادر نخواهد  
 که آنرا به سیرهای انحرافی

کجاای این سینه بزمیں برمیزد  
مشتملای خویی از تمام پیک مردم  
ایران و شخص خود شما مخصوص  
میشوند.  
لذا اگرتو ... تصمیم گرفتیم  
بخدمت ویله در خطوط مبارزه  
خداستهای دنکانان بدفاع آغاز هر چیز  
آن شرکتاء ایران و شخص رهبری  
دستهای چنگ افزوده ایران موز چه  
دست را شتی و چه چی روها که  
پیکاهنده عاری از سملوپت رهایی  
پیش خداستهای سراسر کشورهای  
تفاهدهای فرعی دان بزنند بفرهنگ

بررسی از آنجا که مساله گردستان در مجموع هیچ راه حل قبیراً نمی‌ندازد، راه حل انقلابی و مردمی آن اساساً در پرستی شناختن حق تعیین سرنوشت و اداره امور داخلی تجزیه در چارچوب تدبیر ارضی خدمت شایانی کل گشور خلاصه می‌شود....

سبس با ذکر دیگر پیشنهادات در دید

سازمان در بود حل و فصل ملح  
جویانه ساله کردستان، نامه فوق این  
فرایاده امید باشد.  
”پدرگرامی ام“  
دشمنی است که ما میدانیم به  
محروم. دریافت نامه، حاضر عدمدیده  
حتی در بعضی شاه نزیپسواری  
چیزیها به ما نسبت خواهد داد. آری  
ما خوب میدانیم که به فرموده  
خودشان: ”آمروز“ روز تهمت  
است... و هرگز به هرگز داشت  
میخواهد هرچیزی میگوید و نمیداند که  
تهمت زدن به مؤمن چراز پیش خدا  
چیست؟“  
بالاخره با جملاتی: نامه ما

پایان می بذیرد:  
۶۰ آنکه در این لحظات  
حساس برای ما حائزت همیست فوغا عاده  
است، منشگه کنندگان فوغا عرض  
شده، شما پا یک اقدام چاره ساز، انتقام‌گیر  
ایران را از دامن که دشمنان خدا  
و خلق در پروردگار آن ستردادهند رهاشی  
باشیده و بار دیگر فرزندان اینها  
فرزندان اینان – چهارده و چه قارس را به  
دگرسی و سرعت انتقام‌گیری تبدیل  
نمایید.  
سازمان به دلیل دیدگاه‌ها  
و موضوعیت‌های خود در زمینه  
سلطنه ملتها و در رابطه با میازده  
تامی خلق ایران در راه رازدی و  
استقلال و حقوق اهاد اسلام  
بیش از هر نیروی دیگری در این  
جهان، از یکم تاریخی امام در  
مورد حفظ مردمان بوریان برادران  
کرد، سور شد و به مکانه آن  
تجزیه نیز  
در نیزه  
که در  
بازیزد  
آن یان  
در غیر

انقلابی ترین تبریکات را به پسر امام  
و خلق قربان کرد، مقدمه داشت.  
به این امید که دیگر مرتعجهنون  
و نه منعجهنون شوتواند نفعه شوم  
و احتمال های نظماً و شوّه سرکوب  
خویندن خلق استندیده ما را سردازه و  
پسرادرکش راه باندازد. همانها که با  
آنواع توطیق و تحریک و ساخت و  
پاخت با اشاره و خواهیش فشود و  
دانسته اندلایلویون معلم به شر رسیدن بیام  
تاریخی امام شو شود. این بود  
ماجرایی کی از هرگزگیرین اتهامات  
مجاهدین ۱۱

بدیهیست که سیل افتراها و تهمتها و  
حللات رنگارانگ فرازی از این  
نموده هست. و بدین کی تا آن همکام  
که زوال تاریخی مرتعجهنون فرا بررسد  
مجاهدین خلق و طور کلی تعالمی  
در نیوز روزی  
آن بینایه  
نیز مطلع شده  
شاه پیش  
ظاهرها  
و ورد، اما  
و اتفاقات  
بند. همه که  
بسیار بشه  
میش از  
سماطل  
میانیان  
مددیین به  
۵۸/۲/۷

نظام مبارکه  
درباره کردستان  
توضیحات  
دین اسلام  
دین اسلام  
دین اسلام

از نظر مخالفین سازمان اعم از  
ترنجیجنیون راست و اپورتۇنیستهای چپ  
و چوب-پندان، یعنی برگزگریتین نظمه  
نمودنیهای ایمپاریا جاهدین خلق، نحوه  
متوجهکنیری در مواد شمله کردستان  
بوده است و از این تبلیغات عوام  
پسندیده بودند اما این مخالفین، براز پوش  
فراد ناکار آبهاهاتی بوجاد آورد.  
این بیرون از این تبلیغات از شرایطی ایج  
که جامعه ناگاهانه دستخوش فضای  
نیزه و خشونت باری شده بود، بستن  
نقاومات و مردانگان و مراکشان، و از همه مهمتر  
منک در کردستان.  
طبیعتاً در چندین فضایی،  
ترنجیجنیون کار را تمام شده میدانستند.  
اینها بیرون از اینها و  
تاثرآورندنیهای جامده و تاریخ جنان  
اصحاحارز و کوتنه بنین مستند که بقول  
سرعوف "پیکدم دورتر را نمی بینید".  
از درین امر ابا طران به پیریزی  
خود، شروع به "افشاگری" بر علیه  
جاچه‌دان اورده.

پسندیدنی نمایند؟  
پاسداران وارد کردستان بودند  
چهار از تجارب چریکی شان استفاده  
نمی‌کنند و بیار پاسداران نمی‌شتابند؟  
چهار سکوت کرداند؟  
چهار روها و چهارها نیز ما را  
متعهّم به سازش با "رژیم حاکم"  
می‌کنند و به این دلیل کاخ نوردهم  
چنگ کردستان را دام زده و برعلیه  
پاسداران وارد نبردند.  
البته مرجهین یک چیز را خوب  
نگفته بودند و آن اینکه ما مخالف  
چنگ اخrozی و اداء آن هستیم ولذا  
هرگز تن به این بوارگشی نخواهیم  
داد.

اما این را دیگر نمی فهمیدند که  
بپوشش هنر برای مدنسی و مهندسی خویی گزی و  
با خبر افتخار، فراهم باشد و بپوشش  
چند صیاغی پیوتناند مقابله موضع  
ما را وارونه جلوه دهدند، لکن  
تبریه ارجاع، خوب شد حقیقت، ابرهای  
خواهد زد !

اکنون، نظری به گذشته  
می‌اندوار و موضعگیریکار از آمار را  
ذر راهنمای سلطه ملتها و بیویزیه  
کردستان، مورد ارزیابی قرار میدهیم  
در پنهانی، انتشارات مرحله‌ای  
سازمان از جمهوری اسلامی<sup>۱</sup> موظف ۷۲/۲  
اسندت ۵۰۴۶ هجری آنده بود:  
(امیریالبسته و موزوپاتاشان)  
گابتدا با علم گردن مسائل فرعی و  
حاشیه‌ای و دست ذاتشین بر نقاط  
جهانی، تبریزیهای مختلف مبارزه را به  
گلایهای خود کشیده و از سیر اصلی  
منحرف، می‌گشته به ایشانه وحدت  
اصولی را فرمود در صور مبارزه  
ضد امیریالبسته... خدشید شور.  
۱. نگاهی بر عوامیهای مختلف کشور را به جان  
هم اندخته و در این میان ناچیوناند  
با تکمیل در گردن انتشار یافتن،

همان فردا فرنزین سازن تا پایان در عالم،  
آنها را علی و قعده می گشتن آنلاه و وقتی  
تیغه نیوچهاری مردم شدند و زمینه ایز  
سیاسی فراهم گردید،  
جهت تسلط بر نیوچهاری مددود شدند از مان  
پاچه اتفاق وارد فروند می اوردند و خوبه  
نهایت را پیش از خود می اوردند و گفتند اوضاع  
را و دادند می اورند.  
بهانه های این اقدامات نیز بطور  
جهتی از پیش استعداد رشده است و  
عمولًا نیز سریوش دفاع از دین  
و مذهب "با" ترس از سلطه "مونیسم  
شوری" یا "ترکی از تجزیه طلبی" و  
امثالیم هر دوست میگیرند...  
برادران پاسدا ر  
آیا تجربیات بعدی صحت این

نفرقه اندازان، بین شما و نیروهای انقلابی و ضدامیر  
امام معروفی کنید. و علیه آنها دست به افشاگری بزیند

به پیشوری و درندگی ارتقای هایپار  
پیش از چشمگیر نیازمند است.  
آنها همان روابط و ارزشهاي  
پوسيدگاه است که با پيشنهاد در ارتشها  
نيروهای انتلاقی و خلق از بين  
برو دارد. و پاسداران اغلب ما هم نه  
با مياعت است از چگونه چنین ارزشها  
پوشش است که رسالت خود را  
به آنچام خواهند رساند.

پاشند. زیرا مهمنیون و زمینه فعالیت  
آنها معلوم الحال، طاقت‌گاهی دیگران را  
است. و طبیعتاً اگر پاساران و  
ضرورت‌های انقلابی جامعه مان را  
 بشناسند و ماهیت و علکرد نیروها  
 مختلف را با توجه به شرایط  
 سیاسی انتخابی کنند، در مطردهای خود  
 بدهند، دیگر کسی قادر نخواهد بود  
 آنانرا به سیرهای انحرافی

اینکوئی پورشای ناجاوند رانه خواهند  
بود. غیر از اینهم انتظاری نیست ا  
آتچه مهم است، پایداری و  
متأثر در برابر تعامل شفارا و ایمان  
آنکلابی و توجیهی است:  
ولایخون لومه لاثم







یاد ماجاهد شهید محمد الفت راگرامی بداریم.

## نگاهی کوتاه و گذرابزندگی یک مجاهد خلق



و لوازمیون الاحرار تلاوا  
هذا ما وعدنا الله رسوله و مصدق الله  
رسوله و مازدهم الا ايمانا و  
سلیمان....

(احزاب) ۲۲

"زمانی که مومنین، گروههای مختلف دشمن را بدمد گفتند این همان چیزی است که خدا رسوانش باعده دادند. خدا و رسوان برستی سخن گفتند. بخورد را نیزهای مختلف دشمن حنجه بآیان و سالم در برابر جریان حق نیافرود. ...."

محمد در سال ۱۳۴۹ در شیراز متولد شد. کودکی بودند گفتند این سالهای را پرتوحول طلب ماند. به عذری نهضت بزرگ ملی شدن نفت به رهبری دکتر صدقی، سالهای خوش خلق در مقابل استعمارگران چهارده ساله شروع شد. بپشتار شرایط حاکم بر خان و میداد. شیخ زاده ریاست عالیه شاه خان و سپریستی آذربایجان چون علم و نهادنی بیشتر رخ مندوش و پایا که اشاعه فرهنگ فاس و آلوهه آمریکانی شده بود.

علیفرم همه این مسائل محمد هرگز تسلیم این فضای مسوم نشد. و با عنصر اگاهی و اراده ای اینها را در

او وجود میدانست. و یکی تند چند از همراهانش به غایبیهای ذهنی -

در همین سالهای که محمد با عالمیها و نوشتهای جاهدین خلق آشنا شیوه این پیشوده این بیام را بجان

جیخه او برای اولین بار در اسفند ۵۲ با سازمان رابطه گرفت. از این پس

فعالیت همه این مسائل محمد

ایدیولوژیک - سیاسی، درگ خود را

از مسائل اعمق میداد و در فک راهی نوین بودند.

با آن بوسیله برنامهای خودسازی

منظور داده که از گرفتن آنها را میهمد عمل" در خودش بیاده کند. این

دانشگاه شیخزاده به تهران آمد و ضمن

ادامه اتفاقات ایرانی اپورتیونیستی

لیسانس داشتند که بعده میدارند

روزهای میدانی مبارزه با این مذکور

بازدید کردند که از طبقه میدان

نهاده ای اینها را شناسد و نهادهای

سرگویش که از طبقه خوش

نشوایست از گرایش جوانان اتفاقی به

معطر و سخرنگی بودند که در کویر

تهران مقابر باشد و گشتن

جوانان اپورتیونیستی چیزی

برای خانواده ای اینها را خلیق بودند

و اینها را خلیق بودند

&lt;p

